

## بررسی مادری جایگزین<sup>۱</sup> از منظر فایده‌انگاری عمل‌محور

سروش دباغ\*

**چکیده:** روایی یا ناروایی اخلاقی مادری جایگزین بستگی تام به تئوری اخلاقی‌ای دارد که ما در حوزه اخلاق هنجاری (normative ethics) برگرفته‌ایم. وظیفه‌گرایان با وام کردن "اصل غایتمندی انسان" که یکی از تنسیق‌های چندگانه امر مطلق اخلاق کانتی است، علی‌الاطلاق حکم به ناموجه بودن اخلاقی استفاده از مادری جایگزین در فرایند بارداری می‌کنند، چراکه معتقدند انجام این فعل متضمن نفی کرامت انسانی است. از سوی دیگر نتیجه‌گرایان برای احراز خوبی و بدی و روایی و ناروایی یک فعل به آثار و نتایج مترتب بر آن و میزان لذت و خوشبختی و درد و رنج حاصله از آن عطف نظر می‌کنند.

در این مقاله کوشیده شده است ابتدائاً استدلال وظیفه‌گرایان در ناروایی استفاده از مادری جایگزین صورت‌بندی شود. سپس در مقام نقد مدعای وظیفه‌گرایان و دفاع از روایی این فعل، ولو در مواردی محدود، از آموزه‌های فایده‌انگاری عمل‌محور (ونه قاعده‌محور) مدد گرفته شده است. در انتها برای عملیاتی کردن نگاه فایده‌انگار عمل‌محور به مقوله مادری جایگزین و اتخاذ تصمیم در موارد گوناگون، تشکیل کمیته‌ای اخلاقی مشتمل بر متخصص اخلاق، پزشک، روانشناس و جامعه‌شناس پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: مادر جایگزین، کرامت انسانی، درد و رنج، لذت، فایده‌گرایی عمل‌محور

---

1 . surrogate motherhood

\* عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

**Abstract.** Surrogate motherhood's moral justification entirely depends on the ethical theory which is taken from normative ethics. Deontologists do believe that surrogate motherhood is morally impermissible in the light of Kantian notion of Human dignity. In contrast, consequentialists focus on the pleasure and the pain of an action in order to arrive at its badness and goodness, morally speaking.

In this article, firstly, deontologists' argument in favour of the impermissibility of surrogate motherhood is formulated. Then, in order to undermine deontologists' argument and make surrogate motherhood justified from the moral point of view, some ideas are taken from Act-Utilitarianism. Finally, the formation of an ethical committee is proposed in order to concretize Act-Utilitarianism's thought, as far as surrogate motherhood is concerned.

Key words: Surrogate Motherhood, Human Dignity, Pain, Pleasure, Act-Utilitarianism

۱. مادری جایگزین یکی از مسائل بحث‌انگیز اخلاق پزشکی روزگار کنونی است. سخن، به اجمال هرچه تمام‌تر، بر این است که آیا یک زن می‌تواند به مثابه مادر جایگزین در فرایند بارداری عمل نماید؟ آیا وی می‌تواند نطفه لقاح یافته‌ای را که متعلق به زوج دیگری است، در رحم خود پروراند و پس از سپری کردن دوران بارداری و زایمان کردن، نوزاد تازه به دنیا آمده را در اختیار والدین واقعی قرار دهد؟<sup>۲</sup>

در میان مکاتب مختلف اخلاق هنجاری<sup>۳</sup>، وظیفه‌گرایانی<sup>۴</sup> که به اقتضای کانت "اصل غایتمندی انسان"<sup>۵</sup> را که یکی از تنسیق‌های چندگانه امر مطلق<sup>۶</sup> است، رکن رکن اخلاق می‌دانند، بر ناروایی اخلاقی این عمل تأکید می‌کنند و آن را بالمره ناموجه می‌انگارند.

در این مقاله می‌کوشم با برشمردن مفروضات وجودشناختی و انسان‌شناختی اخلاق کانتی و صورتبندی استدلال وظیفه‌گرایان کانتی، در مقام نقد استدلال ایشان و دفاع از روایی اخلاقی این عمل (هرچند در مواردی محدود) از آموزه‌های مکتب فایده‌انگاری عمل‌محور<sup>۷</sup> (و نه فایده‌انگاری قاعده‌محور)<sup>۸</sup> بهره برم.

۲. مطابق با آموزه‌های کانت، اخلاق نسبتی با آنچه در جهان پیرامون ما می‌گذرد ندارد. به تعبیر دیگر، مفاهیم سبک اخلاقی‌ای<sup>۹</sup> نظیر خوبی، بدی، باید، نباید... در عالم خارج مدلولی ندارند و اتصاف آنها به اوصاف سبک اخلاقی‌ای<sup>۱۰</sup> نظیر وفای به عهد، عدم اضرار به غیر، مهربانی... کاشف از عالم خارج نیست. بنابر مبانی معرفت‌شناختی کانت، معرفت ما صرفاً ناظر به عالم پدیداری<sup>۱۱</sup> شکل می‌گیرد و بیش از آن به چنگ قوای ادراکی ما نمی‌افتد. ارزش‌های اخلاقی نیز چون جزء جهیزیه عالم خارج نیستند (مانند در، تخت، پنجره، رودخانه، سنگ...)، ماده مستعدی برای قوه فاهمه به حساب نمی‌آیند و علی‌الاصول معرفت‌بخش نیستند و افاده معرفت اخلاقی نمی‌کنند. در عین حال، سخن گفتن از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در منظومه معرفتی کانت منزلتی دارد و ارتباط وثیقی با تحقق اراده دارد.

---

۲. برای آشنایی بیشتر با اقسام surrogate mother hood، نگاه کنید به:

- Tong, R. (2005) ' surrogate motherhood' in *A companion to Applied ethics*, Frey, R. G. and Weltman, C., (eds.), (oxford: Blackwell Publishing), pp. 369 – 381.

3. Normative Ethics

4. deontologists

5. Principle of Ends

6. Categorical Imperatives

7. Act - Utilitarianism

8. Rule - Utilitarianism

9. thin moral properties

10. thick moral properties

11. phenomenal

مطابق رأی او انسانیت انسان اقتضا می‌کند که آزادی خویش را از طریق اراده تحقق بخشد؛ اراده متعین شده‌ای که در قالب احکام<sup>۱۲</sup> و گزاره‌های اخلاقی صورتبندی می‌شود و از اقتضائات هنجاری قوه عاقله است. حوادثی که در عالم پدیداری رخ می‌دهد مقدر به اقدار قوانین طبیعی است و تغییرناپذیر. بعنوان مثال قوانینی نظیر علیت، جاذبه، فیزیک نیوتنی ... در جهان اعمال می‌شوند بطوریکه تخطی از آنها امکان‌پذیر نیست. مادامیکه درباره جهان پدیداری سخن می‌گوییم، انسان نیز در عداد یکی از موجودات این جهان، مشمول قوانین آن است و از این حیث تفاوتی با سایرین ندارد. در واقع، مشمول قوانین طبیعی شدن قوام انسانیت نیست، که در این امر تفاوتی میان انسان و حیوان وجود ندارد. در مقابل، به میزانی که انسان آزادی خویش را محقق سازد انسان‌تر است. خودآیینی در منظومه کانتی ارتباط وثیقی با آزادی و تحقق اراده دارد و قلب اخلاق را تشکیل می‌دهد. اخلاقی زیستن متضمن فراتر رفتن از قوانین حاکم بر طبیعت و تحقق آزادی انسانی است. امر اخلاقی که نزد کانت مطلق است و از اراده تعیین یافته نشأت می‌گیرد، تنسیق‌های چندگانه دارد. مطابق با یکی از این تنسیق‌ها که تحت عنوان اصل غایتمندی انسان از آن یاد می‌شود، انسان، از آن حیث که انسان است، فارغ از مذهب، جنسیت، رنگ پوست، مجموعه معتقدات... فی حد نفسه غایت است و ارزشمند و برگزینی. غایت قصوای اخلاق، پاسداشت کرامت انسانی است بدون هیچ قید و شرطی. به تعبیر دیگر، اگر انجام یا ترک فعلی متضمن نفی کرامت انسانی باشد، ناموجه است و برگزینی. به همین سبب وظیفه‌گرایی کانتی مخالف روسپی‌گری و برده‌داری است، چرا که هر دو را ناقض کرامت انسانی می‌انگارد.<sup>۱۳</sup>

بنابر آنچه آمد، وظیفه‌گرایان کانتی، استفاده از مادر جایگزین در فرایند بارداری را غیراخلاقی قلمداد می‌کنند چرا که انجام این فعل را نافی کرامت انسانی قلمداد می‌کنند. مطابق با رأی ایشان، تحویل رابطه عاطفی منحصر به فرد میان جنین و مادر به رابطه‌ای مالی و نادیده گرفتن لطمات انسانی - عاطفی مترتب بر آن، اخلاقاً نارواست. کسی که نه ماه جنین را در درون خویش پرورش داده بطوریکه آن بدل به بخشی از وجود او شده، اخلاقاً نباید پس از طی این دوران، فرزند را وانهد و این رابطه غریب و کم‌نظیر انسانی را در برابر دریافت وجهی بگسلد. در واقع، هم کرامت انسانی مادر جایگزین و غیرواقعی که چند صباحی جنین را با خود حمل کرده و او را در خود پروراند خدشه‌دار می‌شود و هم کرامت انسانی نوزادی که در بدو تولد باید مادری را که نه ماه با او بوده است، به جبر و بر اساس

## 12. Maxims

۱۳. برای آشنایی بیشتر با امهات اخلاق کانتی، نگاه کنید به:

راجر سالیوان، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰، همچنین نگاه کنید به:

- Hill, Jr. T. E. (2000) 'Kantianism' in *The Blackwell Guide to Ethical Theory*, Lafollete, H. (ed.), (Oxford: Blackwell Publishers) pp.227 – 246.
- O'Neill, O. (1997) 'Kantian Ethics' in *A Companion to ethics*, singer, P. (ed.), (Oxford: Blackwell Publishers), pp. 175-185. First Published 1991.

مناسبات و روابط مالی ترک گوید. علی ای حال، انجام چنین کاری مستلزم نقض کرامت انسانی و بهره‌کشی<sup>۱۴</sup> است و اخلاقاً ناموجه.

پس راه حل چیست؟ پاسخ وظیفه‌گرایان این است که یا باید از طریق نوع‌دوستانه<sup>۱۵</sup> و انسانی مناسبات و روابط میان زوج نابارور و مادر جایگزین تنظیم شود و یا این مسیر برای واجد فرزند شدن به کنار نهاده شود. پاسداشت کرامت انسانی اقتضا می‌کند که این فعل تنها از این طریق تحقق پذیرد و لاغیر. تنها بستگان و یا دوستان نزدیک زوج نابارور که در مورد ایشان شائبه چشمداشت مالی نمی‌رود می‌توانند عهده‌دار این مهم شوند.

۳. اخلاق نتیجه‌گرا<sup>۱۶</sup>، برخلاف اخلاق وظیفه‌گرا، در انسان از آن حیث که موجودی عاقل است و واجد قوه عاقله نظر نمی‌کند. بلکه، افعال و کنش‌های انضمامی و عینی وی و آثار و نتایج مترتب بر آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در میان نتیجه‌گرایان، فایده‌انگاران<sup>۱۷</sup> بر این باورند که می‌توان خوبی و بدی‌ای را که بر یک فعل مترتب می‌شود از میزان لذت و الم حاصله از آن در میان بیشترین افراد جامعه به دست آورد. انجام فعلی از لحاظ اخلاقی بایسته است که متضمن کسب بیشترین لذت و دفع بیشترین درد و رنج باشد. به تعبیر دیگر، کسب لذت و دفع الم، تنها خصوصیت اخلاقاً مربوط<sup>۱۸</sup> است که در موقعیت‌های مختلف اخلاقی از کنشگران دستگیری می‌کند. همه محاسبات اخلاقی باید برحسب بهینه کردن لذت و کمینه کردن الم صورت پذیرد.

فایده‌انگاری قاعده محور و فایده‌انگاری عمل محور دو شاخه از شاخه‌های فایده‌انگاری هستند. فایده‌انگاری قاعده محور، انجام یا ترک فعلی را اخلاقاً موجه می‌داند که اگر به صورت یک قاعده عام و کلی در جامعه درآید، متضمن کسب بیشترین سود و دفع بیشترین الم باشد. فایده‌انگاری عمل محور، در مقابل به سیاق، توجه تام و تمامی دارد. وفق رأی فایده‌انگاران عمل محور، انجام یا ترک فعلی اخلاقاً رواست که با احتساب جمیع مؤلفه‌ها و شرایط سیاق مربوطه، متضمن تولید بیشترین سود و دفع بیشترین ضرر باشد. به تعبیر دیگر، فایده‌انگاری عمل محور، برخلاف فایده‌انگاری قاعده محور کاملاً وابسته به سیاق<sup>۱۹</sup> است و حکمی را که در یک سیاق بر انجام یا ترک فعلی مترتب می‌شود قابل تعمیم به سایر موارد نمی‌داند.<sup>۲۰</sup>

14 . exploitation

15 . altruistic

16 . Consequentialistic ethics

17 . Utilitarians

18. morally relevant feature

19 . fully context - dependent

20. برای آشنایی بیشتر با فایده‌انگاری قاعده محور و عمل محور، نگاه کنید به:

- Hooker, B. (2005) 'Rule-Consequentialism' in *Blackwell Guide to Ethical Theory* (oxford: Blackwell Publishers), pp. 183-204.

- Frey, R. G. (2000) 'Act-Utilitarianism' in *Blackwell Guide to Ethical Theory* (oxford: Blackwell Publishers), pp. 165-182.



اکنون خوب است برای پیشبرد بحث درباره روایی یا ناروایی استفاده از مادری جایگزین در فرایند بارداری مثالی ذکر گردد. خانواده A را در نظر بگیرید که در آن مرد خانه دچار دیابت پیشرفته و مزمن است به طوری که کار کردن برای وی طاقت فرسا و تقریباً ناممکن است. از سوی دیگر همسر این مرد نیز تخصص خاصی ندارد و تا پیش از ناتوان شدن شوهرش خانه‌داری می‌کرده است. در عین حال، وجهی که مرد خانواده بابت درمان و بیکاری از بیمه دریافت می‌کند تنها کسری از هزینه‌های خانواده پنج نفری وی را تأمین می‌کند. نهادهای دولتی و غیردولتی نیز در عمل نتوانسته‌اند مقرری مناسبی برای این خانواده طی دو سالی که مرد ناتوان شده است، در نظر بگیرند. از سوی دیگر خانواده B را در نظر آورید که مشتمل بر زوج ناباروری است که در حسرت فرزند می‌سوزند و در این میان، برای واجد فرزند شدن از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. مشکل این زوج عبارتست از شرایط نامساعد رحم زن برای نگاهداری و حفظ نطفه لقاح یافته به طوری که طی چند سال گذشته، مادر چندین بار در ابتدای دوران بارداری دچار خونریزی شدید شده و بچه را سقط کرده است. پزشکان نیز زن را از بارداری مجدد منع کرده‌اند و آنرا برای سلامتی وی خطرناک دانسته‌اند. در عین حال، هیچ‌یک از بستگان و آشنایان نزدیک این خانواده به جهت مشکلات بیولوژیک نمی‌توانند به طور داوطلبانه و از روی خیرخواهی و نوع‌دوستی نقش مادر جایگزین را ایفا کنند و این زوج را صاحب فرزند سازند؛ هرچند قویاً مایلند به این زوج هر گونه کمکی کنند تا به خواسته خود برسند.

حال اگر از وظیفه‌گرایان کانتی پرسیم آیا رواست خانواده B در قبال پرداخت وجهی از طریق خانواده A که نیاز مبرم مالی دارد صاحب فرزند شود، در پاسخ چه می‌شنویم؟ قاعدتاً، مطابق با آموزه‌های ایشان، انجام این فعل متضمن نفی کرامت انسانی مادر جایگزین و نوزاد تازه به دنیا آمده است. اگر بدیشان متذکر شویم که خانواده B جز از این طریق نمی‌توانند فرزند طبیعی خویش را ببینند، در پاسخ خواهند گفت که خانواده B یا صاحب فرزند شدن را فراموش کنند یا به پرورشگاه بروند و فرزند دیگری اختیار کنند. به تعبیر دیگر، از آنجا که در این مکتب اخلاقی، احکام اخلاقی استثنا‌بردار نیستند، نقض کرامت انسانی به هر نحوی نارواست و اخلاقاً ناموجه.

تصور می‌کنم که یک دستگاه اخلاقی موجه باید بتواند شهودهای اخلاقی متعارف و پراکنده آدمیان را سازوار نماید تا از سوی کنشگران اخلاقی تلقی به قبول شود. قطعاً کرامت انسانی و پاسداشت حریم انسانیت اخلاقاً بایسته است و برگرفتنی، اما همه بحث بر سر حدود و ثغور آن است. استثناپذیری احکام اخلاقی در دستگاه وظیفه‌گرایانه کانتی و غیر تجربی بودن آن سبب گشته در پاره‌ای از موارد

---

فایده‌انگاری قاعده محور از این حیث که تأکید زیادی بر روی سیاقهای اخلاقی می‌نماید شبیه به نحله خاص‌گرایی است که در وادی اخلاق برای احراز خوبی و بدی، همه چیز را به رفتار دلیل آفرین خصوصیات اخلاقاً مربوط در سیاقهای مختلف تحویل کرده، قائل شدن به هر گونه تعمیم‌پذیری را ناموجه می‌انگارد. برای آشنایی بیشتر با خاص‌گرایی اخلاقی، نگاه کنید به: سروش دباغ، "عام‌گرایی و خاص‌گرایی در فرا اخلاق"، اندیشه دینی، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۲.

پذیرش دستورات و احکام اخلاقی آن غریب بنماید. اکثر کنشگران اخلاقی بر این رأیند که در پاره‌ای از موارد، دروغ گفتن بد نیست، هرچند مطابق با رأی کانت، دروغ‌گویی علی‌الاطلاق کار ناصوابی است. به یاد بیاوریم جمله مشهور کانت را که می‌گفت: "راست بگو ولو افلاک در هم فرو بریزند". به همین سبب دیوید راس در سنت فلسفه اخلاق انگلوساکسون در دهه‌های نخست قرن بیستم به احیای اخلاق وظیفه‌گرایانه کانتی همت گمارد و کوشید تا وظایف اخلاقی کنشگران اخلاقی را حول شهودهای اخلاقی متعارف انسانها سامان بخشد و با به دست دادن فهرستی از وظایف فی بادی النظر<sup>۲۱</sup> و بازشناختن آنها از وظایف فی مقام العمل<sup>۲۲</sup> و تفکیک میان وظایف اخلاقی پایه‌ای و وظایف اخلاق مشتق<sup>۲۳</sup> دستگاه اخلاقی منسجمی ارائه نماید.<sup>۲۴</sup>

به نظر می‌رسد برای رسیدن به داوری اخلاقی موجه، صرفاً نمی‌توان به کرامت انسانی بسنده کرد و منسلخ از سیاق یا سیاق‌های مربوطه به نحو پیشینی و علی‌الاطلاق حکم کرد که کلیه افعالی که به هر نحوی متضمن خوار داشت یا نادیده گرفتن کرامت انسانی هستند، غیر اخلاقیند..

مثال فوق‌الذکر را در نظر بگیریم. خانواده A با مشکلات مالی جدی دست و پنجه نرم می‌کند و در عین حال زن خانواده مختارانه و نه بر اثر فشار و تهدید همسر خویش، می‌خواهد برای امرار معاش در کسوت مادر جایگزین عمل نماید. از سوی دیگر خانواده B با اتخاذ چنین سازوکاری می‌تواند فرزند طبیعی خویش را پس از سالها در آغوش کشد. آیا به صرف تأکید بر نقض کرامت انسانی و بهره‌کشی می‌توان بر ناروایی اخلاقی چنین فعلی فتوا داد؟

۴. به نظر می‌رسد بتوان بر اساس آموزه‌های نحله فایده‌انگاری عمل‌محور، توجیهی اخلاقی برای فرایند مادری جایگزین، حداقل در پاره‌ای از موارد به دست داد. همانطور که دیدیم، وفق رأی قائلین به این نحله، کمینه شدن درد و رنج و بهینه شدن لذت و خوشبختی بیشترین افراد جامعه کاملاً وابسته به سیاق است و تعمیم آن به سایر موارد مجاز نیست.

مثال یاد شده را دوباره در نظر آوریم. به نظر می‌رسد حکم به روایی اخلاقی چنین عملی دادن هم متضمن افزایش لذت و کاهش درد و رنج خانواده‌های A و B و بستگان و آشنایان این دو خانواده است و هم مثلاً منجر به افزایش لذت و کاهش درد و رنج بیشترین افراد جامعه می‌شود. مدلول سخن فوق این است که انجام این فعل اخلاقاً روا و ترک آن نارواست. توجه داشته باشیم که بحث حول آموزه‌های فایده‌انگاری عمل‌محور صورتبندی شده است و نه فایده‌انگاری قاعده‌محور. به تعبیر دیگر، ادعا نمی‌شود اگر این عمل به صورت یک قاعده کلی در سطح جامعه درآید، عمل بدان متضمن بیشینه

21 . prima facie duties

22 . actual duties

23 . derived

۲۴. برای آشنایی بیشتر با نقد راسی بر کانت و دستگاه اخلاقی وی که موسوم است به "اخلاق فی بادی النظر"، نگاه کنید به:

- Ross, D.W.(1930) *The Right And The Good* (Oxford: clarendon Press), chap.2.

شدن لذت و کمینه شدن درد و رنج می گردد. چه بسا اگر این امر بصورت قاعده ای کلی درآید، وفق آن عمل کردن توأم با افزایش درد و رنج بیشترین افراد جامعه باشد. در مقابل، احراز بایستگی و نبایستگی این فعل مطابق با آموزه های فایده انگاری قاعده محور کاملاً وابسته به سیاق است و از سیاقی به سیاقی دیگر می تواند تفاوت یابد.

می توان حدس زد که دفاع از روایی اخلاقی مادری جایگزین چقدر مستعد سوءاستفاده است. مردان کم کار و زورگویی که زنان خویش را تحت فشار قرار خواهند داد تا با بهره کشی از ایشان بدین طریق امرار معاش کنند و تنبلی و بی قیدی خویش را جبران نمایند. یا کسانی را در نظر آورید که از این طریق شبکه ای تشکیل می دهند و زنان بی خانمان و آسیب پذیر را به استخدام می گیرند و در قبال اخذ وجهی از خانواده ای که خواهان فرزند است و پرداخت بخشی از آن رقم به زنانی که به استخدام ایشان درآمده اند و ایفای نقش مادری جایگزین می کنند، سود کلانی بدست می آورند. یا ... قطعاً در چنین مواردی، انجام چنین فعلی متضمن حداقلی شدن درد و رنج بیشترین افراد جامعه نمی شود و اخلاقاً روا نیست. بنا به تعبیر وظیفه گرایان، در این موارد نقض کرامت انسانی به عیان دیده می شود.

حال اگر چنین است و روا قلمداد کردن مادری جایگزین در فرایند بارداری مستمسک بروز و ظهور اعمال ضد اخلاقی است، در مقام عمل چه باید کرد؟ آیا بخاطر سوء استفاده های فراوان و انسان ستیزانه ای که در عمل محقق می گردد، بطور کلی حکم به ناروایی اخلاقی چنین فعلی نمایم؟ با این توضیح که در تمام سیاقهای اخلاقی ای که پای مادری جایگزین در آن به میان می آید، از آنجائیکه استفاده از این راهکار مستلزم افزایش درد و رنج بیشترین افراد جامعه است، ترک آن اخلاقی است و موجه. شهودهای اخلاقی متعارف با چنین حکم کلی ای صادر نمی کنند. بدون در نظر گرفتن سیاق مربوطه نمی توان به نحو علی الاطلاق از بدی و ناروایی چنین فعلی خبر داد. در مقابل می توان با لحاظ کردن قیودی چند به روایی اخلاقی چنین عملی ولو در موارد محدود فتوا داد.

مطابق با آموزه های فایده انگاری عمل محور، از آنجائیکه بکارگیری مادر جایگزین در فرایند بارداری متضمن کسب خوشبختی و لذت بیشتر و دفع درد و آلم بیشتر برای دو خانواده و نهایتاً جامعه می باشد، اخلاقاً روا و موجه است. اما، چنانچه آمد، روایی آن کاملاً وابسته به سیاق است و با لحاظ کردن جمیع مؤلفه های موقعیت مورد نظر بدست می آید. حال برای تشخیص روایی یا ناروایی اخلاقی استفاده از مادری جایگزین در سیاقهای مختلف و جلوگیری از بروز سوءاستفاده، به نظر می رسد مؤثرترین و کاربردی ترین راه عبارت باشد از تشکیل کمیته اخلاقی. این کمیته متکفل بررسی شرایط دو خانواده ای است که در فرایند مادری جایگزین مدخلیت دارند. یکی زوج ناباروری که خواهان فرزند است و دیگری خانواده زنی که قرار است نقش مادر جایگزین را ایفا نماید. با لحاظ کردن جمیع شرائط دو خانواده دخیل در این فرایند اعم از شرائط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی ... کمیته اخلاقی



حکم به روایی یا ناروایی اخلاقی این عمل می‌کند. برای هرچه دقیق‌تر و موجه‌تر شدن تصمیمات این کمیته، بهتر است متخصص اخلاق، پزشک، جامعه‌شناس و روانشناس در این کمیته حضور داشته باشند. بر اثر رایزنی و بحث و گفتگو و بررسی جامع الاطراف شرایط دو خانواده دخیل، اعضای کمیته می‌توانند تشخیص دهند که انجام این فعل متضمن افزایش لذت و خوشبختی و کاهش درد و رنج این دو خانواده و مثلاً بیشترین افراد جامعه خواهد بود یا نه. چنین کمیته‌ای مرجع مناسبی خواهد بود برای احراز روایی یا ناروایی استفاده از مادری جایگزین در فرایند بارداری در سیاقهای مختلف. تمامی مؤلفه‌ها و خصوصیات اخلاقاً مربوط در هر سیاقی بر حسب میزان لذت و درد والمی که تولید می‌کند محاسبه می‌گردد. مجموع لذت والم حاصله از در نظر گرفتن تمامی خصوصیات در سیاق مربوطه کمیته اخلاقی را به اتخاذ تصمیم‌گیری موجه رهنمون می‌سازد. با اتخاذ چنین ساز و کاری است که می‌توان به نحو پسینی و تجربی به روایی استفاده از مادری جایگزین در مواردی چند حکم کرد.

## منابع فارسی:

دباغ، سروش، "عام گرایی و خاص گرایی در فرا اخلاق"، اندیشه دینی، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۲.  
سالیوان، راجر، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت الله فولادوند، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰.

## References:

- Frey, R. G. (2000) 'Act-Utilitarianism' in *Blackwell Guide to ethical Theory* (oxford: Blackwell Publishers), pp. 165-182.
- Hill, Jr. T. E. (2000) 'Kantianism' in *The Blackwell Guide to Ethical Theory*, Lafollete, H. (ed.), (Oxford: Blackwell Publishers), pp.227 – 246.
- Hooker, B. (2005) 'Rule-Consequentialism' in *Blackwell Guide to ethical Theory* (oxford: Blackwell Publishers), pp. 183-204.
- O'Neill, O. (1997) 'Kantian Ethics' in *A Companion to ethics*, singer, P. (ed.), (oxford: Blackwell Publishers), pp. 175-185. First Published 1991.
- Ross, D.W. (1930) *The Right And The Good* (Oxford: clarendon Press).
- Tong, R. (2005) ' surrogate motherhood' in *A companion to Applied ethics*, Frey, R. G. and Weltman, C., (eds.), (oxford: Blackwell Publishing), pp. 369 – 381.

